

خلیج فارس

در نقشه های کهن

خلیج همیشه پارس در طول تاریخ

پدید آورندگان

هیئت مولفین

بخش تحقیقات و مطالعات جغرافیائی

مؤسسه جغرافیائی و کارتوگرافی سحاب

زیر نظر

محمد رضا سحاب



معاونت امور فرهنگی

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

به مناسبت هجدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران

۱۳۸۴

خلیج فارس

در نقشه های کهن

پدید آورندگان و هیئت مولفین :

محمدرضا سحاب، دکتر جواد صفی نژاد، علی اکبر محمودیان، دکتر فرهاد تهرانی، هوشنگ قاسمی
و دیگر همکاران بخش تحقیقات و مطالعات جغرافیائی
مؤسسه جغرافیائی و کارتوگرافی سحاب

زیر نظر

محمد رضا سحاب

گروه مترجمین:

برگردان متن های عربی، انگلیسی، آلمانی، فرانسوی:
عباس هاشمی اسحق پور، محمدرضا سحاب، پژمان اکبر زاده، علی مهران، کلود کریاسی، بهرام کیهان خدیو

چاپ: شرکت چاپ رایان

صحافی: ملک محمودی

چاپ اول: اردیبهشت ۱۳۸۴

تعداد ۵۰۰۰ جلد

این کتاب با مشارکت و حمایت معاونت محترم امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ و منتشر شده است.

خلیج فارس در نقشه های کهن / پدیدآورندگان هیئت مولفین بخش
تحقیقات و مطالعات جغرافیائی مؤسسه جغرافیائی و کارتوگرافی
سحاب: زیر نظر محمدرضا سحاب. - تهران: مؤسسه جغرافیائی و
کارتوگرافی سحاب، ۱۳۸۴.
۹۶ ص: نقشه.

ISBN: 964-6556-77-9

Persian Gulf in old maps.

ص: ع. به انگلیسی:

فارسی - انگلیسی.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. خلیج فارس - جغرافیا - نقشه ها. ۲. خلیج فارس -
جغرافیای تاریخی. الف. سحاب، محمدرضا، ۱۳۲۷ - ب. مؤسسه
جغرافیائی و کارتوگرافی سحاب. بخش تحقیقات و مطالعات جغرافیائی.
خ/ ۲۱۳۱ DSR ۹۵۵ / ۷۲۵
کتابخانه ملی ایران ۸۴-۵۴۸۶

شابک : ۹۶۴-۶۵۵۶-۷۷-۹


نامی آشنای جغرافیای ایران
Sahab Geographic & Drafting Institute
تاسیس ۱۳۱۵ شمسی - ۱۹۳۶ میلادی

طرح، ترسیم، کارتوگرافی، لیتوگرافی از مؤسسه جغرافیائی و کارتوگرافی سحاب

تهران، خیابان سمیه (بین شریعتی و بهار) پلاک ۳۰، تلفن: ۷۵۳۵۶۷، ۷۵۳۵۶۵۱، ۷۵۲۳۴۴۳، فاکس: ۷۵۳۵۸۷۶، صندوق پستی: ۶۱۷-۱۱۳۶۵،
سایت اینترنتی: www.sahabmap.com

کلیه حقوق طبع و نشر و تجدید چاپ محفوظ است و استفاده غیر مجاز از یکایک صفحات این اطلس بدون کسب اجازه از مؤسسه جغرافیائی
و کارتوگرافی سحاب به هر عنوان و به هر شکل و با هر تیراژ به صورت چاپ یا تکثیر الکترونیکی، عکاسی، فتوکپی، ضبط مغناطیسی، تصاویر کامپیوتری و
غیره ممنوع است. متخلفین برابر قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان مورد پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.



نام خلیج فارس، نامی برخاسته از تاریخ، فرهنگ و تمدن بشری است و جایگاهی عظیم در میراث مشترک بشریت دارد. ما به عنوان ایرانی برخود می‌بالیم که نگین خلیج فارس زینت بخش سرزمین مقدس ایران اسلامی است. کتاب حاضر تلاشی هر چند کوچک برای تعمق درباره نام ماندگار خلیج فارس است، اما می‌تواند بهانه‌ای برای آغاز یک حرکت در جهت نقش دهی به آرزوی دیرینه ملل جهان، یعنی پیوندهای فرهنگی باشد، زیرا خلیج فارس از زمان‌های قدیم تاکنون خود عامل مهم و اساسی در شکل دهی به روابط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و تجاری ملل مختلف جهان اعم از چینی، هندی، عرب و غیره با ملیت ایران بوده است. وجود راه ابریشم دریایی خلیج فارس در ایران باستان توانسته بود جایگاه ایران متمدن را به دیگر تمدن‌ها معرفی نموده و از این رهگذر دریایی امکان سفر برای سیاحان و جهانگردان و بویژه جغرافی دانان فراهم نماید. خلیج فارس با گذشت زمان نه تنها اهمیت خود را حفظ کرد بلکه با کشف معادن غنی نفت و گاز در حوزه خلیج فارس امروز این منطقه به مهمترین منطقه جهان به لحاظ استراتژیک مبدل شده است. برای پاسداری از خلیج فارس، لازم است نام زیبای آن همچنان به عنوان یک نام مهم مورد توجه دانشمندان و جغرافی دانان قرار گیرد زیرا هر چند که در ظاهر نام خلیج فارس از دو کلمه تشکیل شده است اما پشتوانه علمی آن تمامی دانشگاه‌های انگلیسی زبان، فرانسوی زبان، عرب زبان، روسی زبان، آلمانی زبان، چینی زبان و دیگر دانشگاه‌های جهان هستند. به یقین می‌توان ادعا کرد که هیچ دستگاه علمی به غیر از نام خلیج فارس نام دیگری برای این منطقه نمی‌شناسد. نام خلیج فارس در اسناد سازمانهای بین‌المللی و از جمله سازمان ملل متحد و سازمان یونسکو ثبت و مورد توجه هر محفل و گردهمایی شده است. برگزاری سالن خلیج فارس در هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران و چاپ این کتاب تلاشی کوچک برای مستند سازی بیشتر نام خلیج فارس است و توجه فرهنگ دوستان، دانشگاهیان و دانشمندان به این اقدام توجهی شایسته و در خور نام خلیج فارس می‌باشد.

احمد مسجد جامعی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

نام‌ها و واژه‌های فارسی در زبان‌های دیگر

پیشگفتار

در چند دهه اخیر، خلیج فارس همواره کانون توجه جهانیان بوده است، این اهمیت از آنجا سرچشمه گرفته است که این آبراه پهناور، افزون بر جنبه‌های سیاسی، نظامی و استراتژیکی، در میان کشورهای قرار گرفته است که مالک بیش از ۸۵٪ کلیه ذخایر نفت و گاز شناخته شده جهان هستند.

خلیج فارس در حقیقت پیشینه‌ای به اندازه تمدن بشری دارد. این دریا به دلایل محکم و مستند، از اولین دریاهائی بوده است که نخستین تمدن‌ها در کنار آن شکل گرفته و از آن بهره برداری شده است. سکونت انسانها در کرانه‌های دجله و فرات و دلتای نیل موجب شد تا خلیج فارس و «خلیج عربی» (دریای سرخ کنونی) مورد توجه قرار گیرند. به همین سبب دانشمندان جهان کهن نیز خیلی زود به این مناطق توجه نشان داده و در نوشته‌های خود از آن یاد کرده اند.

یکی از کهن‌ترین نقشه‌ها، لوحی گلین است که جهان بابلیان را به همراه مناطق پیرامون آن به تصویر کشیده است. این سند با قدمتی چندین هزار ساله ثابت می‌کند که همه جهان شناخته شده آن روزگار از سرزمین‌های دو رود دجله و فرات و آبهای پیرامون آن (بخش شمالی خلیج فارس) فراتر نمی‌رفته است.

آثار برجای مانده از جغرافی‌دانان و نقشه نگاران نشان می‌دهد که این پهنه آبی بزرگ، پس از شکل‌گیری ایران به ویژه جهاننداری ۲۳۰ ساله هخامنشیان پارسی، همواره به اسامی دریای فارس و خلیج فارس (در زبان‌های گوناگون) نام برده می‌شده است. از اسناد قابل توجه در مورد هویت تاریخی خلیج فارس، کتیبه‌ای است به خط هیروگلیف که به فرمان داریوش بزرگ در محل اتصال آب‌های خلیج عرب (بحراحر) به رودخانه نیل و دریای روم (مدیترانه کنونی) نصب شده است. این کتیبه که در پنج سده پیش از میلاد نگاشته شده از خلیج فارس به عنوان «دریایی که از فارس آید» نام می‌برد.

از دیگر اسناد مهم در این زمینه می‌توان از نقشه جهان هکاتوس (۵۰۹ تا ۴۷۲ ق.م) نام برد که در آن خلیج فارس و خلیج عربی (دریای سرخ) به روشنی نشان داده شده‌اند، هم‌چنین از هرودوت تاریخ نگار بزرگ یونان (۴۸۴ تا ۴۲۵ ق.م) نقشه‌ای برجای مانده که دریای سرخ را با نام «خلیج عرب» معرفی می‌کند.

در نقشه جهان نمای دیسئارک (۳۴۷ - ۲۸۵ ق.م) نیز خلیج فارس و خلیج عربی به روشنی نشان داده شده‌اند. در همین حال نقشه‌ها و اسناد بسیاری تا سده هشتم میلادی از دانشمندان و پژوهندگان جغرافیا همچون هکاتوس، هرودوت، اراتوستن، هیپارک، کلودیوس بطلمیوس، کراتس مالوس ... و در دوران اسلامی نیز از محمدبن موسی خوارزمی، ابو یوسف اسحاق کندی، ابن خردادبه، حرانی (بتانی)، مسعودی، ابوزید بلخی، استخری، ابن حوقل، ابوریحان بیرونی و دیگران در دست است که از دریای پهناوری که در جنوب ایران قرار دارد، با نام‌های گوناگونی چون دریای فارس، خلیج فارس، دریای فارس، خلیج فارس، بحر فارس، «سینوس پرسیکوس» Sinus Persicus و «ماره پرسیکوم» Mare Persicum و مانده‌های آن یاد کرده‌اند.

شادروان استاد عباس سحاب در ترجمه و تألیف اطلس «عراق در نقشه‌های قدیمی» نوشته دکتر احمد سوسه، استاد دانشگاه بغداد، توضیح می‌دهد که در بسیاری از این اسناد و مدارک نام «خلیج عربی» هم به چشم می‌خورد، ولی در واقع محل آن منطبق بر «بحر احمر» یا «دریای سرخ» است و این خود دلیلی روشن است که دو دریا یا دو خلیج نزدیک به هم، نمی‌توانند دارای یک نام باشند.

با بررسی کتاب «خلیج [فارس] در نقشه های تاریخی (۱۴۷۸-۱۸۶۱ م)»^۱ که توسط دانشمندی عرب تألیف شده و در سال ۱۹۹۹ میلادی با بیش از ۳۰۰ نقشه به چاپ رسیده است، ملاحظه می شود که بیشتر آنها مزین به نام «خلیج پارس» (به زبانهای گوناگون) است، تنها در ۱۰ نقشه (که ۴ مورد آن نیز تکراری است) و از سده پانزدهم میلادی به بعد ترسیم شده اند و به نظر می رسد که با اصرار گردآورنده محترم در کنار دیگر نقشه ها جای گرفته، خلیج پارس را به نام جعلی «خلیج عربی» نامیده است. البته این امر ناشی از اشتباه نقشه نگاران بوده، که بعدها همگی اشتباه خود را تصحیح کرده اند. برای نمونه با بررسی نقشه های «پتروس برتیوس» و «پتروس کریوس» و «یوکودوس هوندیوس» به این نتیجه می رسیم که این سه نقشه نگار نامی سده هفدهم میلادی که با یکدیگر همکاری و نسبت خانوادگی داشته اند، در آغاز دهه نخست این سده، در نقشه هایی به اشتباه نام «خلیج عرب» یعنی دریای سرخ را به جای نام خلیج پارس نوشته اند و عبارت Sinus Arabicus را به سهو در جای دیگری به غیر از «بحر احمر» به کار برده اند. این نقشه نگاران بعدها متوجه اشتباه خود شده و در ترسیم های بعدی، نقشه های خود را اصلاح کرده اند. البته در پاره ای از موارد نیز با نامهای محلی مانند: «بحر قلیف» یا «خلیج بصره» روبرو می شویم که به دلیل عدم شناخت جغرافی دانان و نقشه نگاران اروپایی از وضعیت کلی منطقه و یا به عمد با اهداف تفرقه افکنانه استعمارگران، نامهای محلی را جنبه کلی داده و به این دریای بزرگ اطلاق کرده اند. خوشبختانه این ترفند پیگانگان کارساز نشد و در طول کمتر از یک سده به فراموشی سپرده شد. نکته شایان توجه در این بحث آن است که در تمامی نقشه ها و اسنادی که از دوران باستان تا سده های میانه و دوران جدید برجای مانده است، هیچ تاریخ نگار یا جغرافی دانی نام خلیج پارس را به قصد خاصی تغییر نداده است، یعنی اگر چنین موردی در سند یا مدرکی دیده شده، صرفاً به سبب اشتباه یا نداشتن شناخت کافی از موقعیت منطقه بوده است. برای مثال در مجموعه نقشه های قدیمی خلیج فارس «اطلس عراق در نقشه های قدیمی» که ترجمه و تألیف شادروان عباس سحاب است، ایشان از دکتر احمد سوسه^۲ مؤلف متن عربی کتاب به نیکی یاد کرده که به رغم همه جنجال های تبلیغاتی که درباره نام خلیج پارس وجود داشته است، رعایت امانت را کرده و همه جا از خلیج فارس به درستی نام برده است، مگر در دو مورد که به سهو یا به عمد «خلیج فارس» را «خلیج بصره» که در حقیقت نام محلی «خور بصره» است ضبط کرده است.

تلاشهای جاعلان برای مخدوش کردن نام خلیج فارس

چگونگی پیدایش نام جعلی «خلیج عربی» به جای نام درست آن «خلیج فارس»:

در حقیقت برای نخستین بار در سال ۱۳۳۷ عبدالکریم قاسم پس از کودتا در عراق، بطور رسمی این نام مجعول را بکار برد که با اعتراض دولت وقت ایران رو به رو گشت، اما پس از چندی روابط دو کشور حسنه و قضیه منتفی گشت. در پی این اتفاقات، جمال عبدالناصر که رهبری مصر و اتحادیه عرب را عهده دار شده بود و رابطه اش با شاه ایران سخت تیره و خصمانه بود، بدون احترام به ملت ایران، اعلام کرد: «... از این پس خلیج عربی به جای خلیج فارس به کار برده خواهد شد و خوزستان نیز که پیش از این عربستان نامیده می شد [؟!]. جزء لاینفک سرزمین اعراب خواهد بود...». صدور چنین اعلامیه ای، بدون نگرش به گذشته تاریخی و آثار نامطلوب آن در آینده، سبب گردید همه کشورهای عربی بر اساس این دستورالعمل به تدریج نام ساختگی «خلیج عربی» را جایگزین خلیج فارس سازند و حتی کشورهای حوزه خلیج فارس که روابط دوستانه ای با ایران داشتند نیز از این شیوه پیروی کردند.

^۱ کتاب The [Persian] Gulf in Historical Maps, 1478-1861 تألیف دکتر محمد بن سلطان القاسمی.

^۲ دکتر احمد سوسه استاد سرشناس دانشگاه بغداد و گردآورنده اطلس نقشه های قدیمی عراق، بغداد ۱۹۵۹ میلادی

بدون تردید می‌توان گفت که این حرکات صرفاً برپایه نیت توسعه‌طلبی و ملی‌گرائی افراطی برخی از رهبران کشورهای عرب و هدفهای استعمارگرایانه کشورهای غربی شکل گرفته است. به سخن دیگر، نه دانشمندان و نه مردم دانا، بلکه دولتهای زیاده‌خواه و استعمارگر، به قصد گسترش بساط خود، واقعیات را جعل می‌سازند، تا از رو در رو قرار دادن کشورها و ایجاد تفرقه و تشنج در منطقه که به اهمیت آن اشاره شد، به سود خویش بهره‌برداری کنند.

آنچه مسلم است، پس از جنگ دوم جهانی و دگرگونی معادلات قدرت در آسیای غربی (خاورمیانه)، دولت انگلیس که همواره در جستجوی پایگاهی نیرومند در این سرزمین بود، فرصت را مغتنم شمرد و حضور خود را در کشورهای حاشیه خلیج فارس استحکام بخشید. نمونه بارز اقدامات دولت انگلیس و کارگزاران آن، فعالیتهای سرچارلز بلگریو Sir Charles Belgrave است که از سال ۱۹۲۶ تا سال ۱۹۵۷ به مدت سی و یکسال کارگزار انگلستان در خلیج فارس بود، در کتابی که به نام «ساحل دزدان» منتشر ساخت، بیشتر از یادداشتهای سرفرانسیس ارسکین لاک Sir Francis Erskine Lach الهام گرفته است.^۲ لرد بلگریو در کتاب خویش، سخن را چنین آغاز می‌کند: «...خلیج پارس که تازیان آن را خلیج عربی می‌نامند...» (مغلطه از نام قدیم دریای سرخ که خلیج عرب بود)، و به این ترتیب نامبرده که صرفاً منافع دولت متبوع خویش را دنبال می‌کرد، واژه خود ساخته «خلیج عربی» را در دهان اعراب گذاشت و در واقع نخستین سیاستمداری است که این واژه مجعول را به کار برده است. این لرد انگلیسی در مجله «صوت البحرین» از خلیج پارس به نام «خلیج عربی» یاد کرد و سپس با تلاش تمام، آن را گسترش داد تا افزون بر آشکار ساختن نیت دولت انگلیس، اعراب را رو در روی ایرانیان قرار دهد و از این موقعیت به نفع استعمار انگلیس بهره‌برداری کند. شگفت آنکه همین شخص در نخستین اثر خود با عنوان «به بحرین خوش آمدید» از خلیج پارس با نام حقیقی آن یاد کرده است.^۳

از این گذشته از تأثیر وجوهی که دولتها، سازمانهای گوناگون و حتی افراد صاحب نفوذ عرب در این زمینه هزینه می‌کنند، نباید غافل شد. گرچه سازمانهای بین‌المللی و مؤسسات معتبر نقشه‌برداری و نقشه‌نگاری سالهاست که واقعیت عیان را در مورد نام خلیج فارس پذیرفته‌اند، اما در پاره‌ای از موارد یا در مقابل سیل دلارهای نفتی اعراب، تطمیع شده و یا آنکه به پیروی از نیت دولت متبوع خویش چشم بر حقایق بسته‌اند و به جعل و تحریف نامی تاریخی پرداخته‌اند. در این میان بیشتر مؤسسات و مراکز آموزشی معتبر مانند مؤسسه انتشاراتی بریل Brill نام خلیج پارس را در آثار و نقشه‌های خود مانند گذشته حفظ کرده‌اند و البته شماری نیز به نام بی‌مفهوم «خلیج» بسنده کرده‌اند.

در ایالات متحده آمریکا مؤسسات جغرافیایی و انتشاراتی به ندرت تحت تأثیر «بخشهای» اعراب قرار گرفته‌اند. اما در سال پیش شاهد بودیم که انجمن معتبر «نشنال جئوگرافیک» National Geographic Society، هرچند در گذشته از پذیرش و درج نامهای جعلی در آثار خود خودداری می‌کرد، متأسفانه با تحریف نام مقدس خلیج پارس و جزایر ایرانی، و درج اطلاعات نادرست و نشان دادن اهداف استعمارگرایانه دولتهای غربی، اعتبار جهانی خویش را خدشه‌دار ساخت. ولی نهایتاً در برابر اعتراض‌های ایرانیان سراسر جهان، عقب‌نشینی نمود و خوشبختانه اقدامات همه‌سویه ملت ایران در درون و برون از کشور با همکاری دولت به نتیجه رسید و مؤسسه یاد شده ناگزیر از اصلاح اشتباه خود شد.

نتیجه اقدامات ایرانیان و راهکارهای مبارزه با جاعلان:

به رغم اقدامات مثبتی که از سوی دولت و ملت ایران در طول ۴۷ سال گذشته به انجام رسیده، لازم به یادآوری است که متأسفانه ما همواره به اقدامات مقطعی و ناپیوسته دست زده‌ایم، یعنی هیچ‌گاه - چه در گذشته و حال - این اقدامات پیوسته نبوده، بلکه

^۲ The Pirate Coast, by Sirs Charles Belgrave
^۳ محاکمه خلیج فارس نویسن نوشته دکتر سید احمد مدنی

بسته به مورد، واکنش نشان داده‌ایم. حتی به رویه برخی کشورهای عربی که ادعای دوستی با ما را دارند (فلسطین، سوریه، لبنان و ...) و با آنکه منافعی در خلیج پارس ندارند، اما متأسفانه از عبارت جعلی «خلیج عربی» یا واژه بی معنی «خلیج» در نقشه‌ها استفاده می‌کنند، توجهی نکرده‌ایم. چنین بنظر می‌رسد که ما از چنین جعل و تحریفی چشم‌پوشی کرده و اجازه می‌دهیم که اعراب در رؤیای «خلیج عربی» سرخوش باشند.

در مقابل اقدامات اعراب که با بهره‌گیری از ابزارهای مالی و سیاسی همواره در پهنه جهانی به این جعل و سوء استفاده مبادرت کرده‌اند، اقدامات ما بیشتر در درون کشور به انجام رسیده و کمتر نمود جهانی داشته است. بطور خلاصه عملکرد دولت و ملت ایران در بیشتر موارد انفعالی و تدافعی بوده است و همواره در برابر اقدامات اعراب واکنش نشان داده‌ایم و هیچگاه خود پایه‌گذار حرکتی در این راستا نبوده‌ایم.

لذا شایسته است، افزون بر اقدامات برنامه‌ریزی شده و پیگیر، توجه بیشتری به مؤسسات و مراکز علمی و فرهنگی مبذول داشته و با تنظیم برنامه و بودجه، سازمانهای غیردولتی (NGO) به وجود آورد که خود متولی چنین اموری باشند. این سازمانها با فعالیتهای برنامه‌ریزی شده و متمرکز، موضوع را به فراموشی نسپرده و با برگزاری همایش‌ها و نمایشگاهها در درون و برون مرز، چاپ و انتشار اطلس‌ها، مجموعه نقشه‌ها و اسناد معتبر از سوی مؤسسات علمی و پژوهشی و به ویژه کارتوگرافی، دولتهای بدخواه و سودجویان استعمارگر را در موضع تدافعی برده و اراده ملی ما را که بر پایه واقعیتهای تاریخی شکل گرفته است، به جهانیان بنمایانند.

بطور خلاصه لازم است که دولت ایران، افزون بر نقش محوری، علاوه بر پشتیبانی از نهادهای علمی-پژوهشی غیر دولتی و تخصیص بودجه، در خصوص مسئله ایستادگی در برابر نام‌های مجعول، برنامه‌ای مدّون و پی‌گیر ارائه نماید و از سوی دیگر با کشورهای عربی به ویژه آن دسته که با ما روابط دوستانه‌ای دارند، وارد گفتگو شود تا اصلاحات لازم در مورد جایگزین ساختن نام صحیح خلیج پارس در نقشه‌ها و نشریات آنان، صورت پذیرد، تا این امر اندک به اندک به سایر کشورهای عربی نیز گسترش یابد و مسئله تا آنجا که ممکن است به شکلی دوستانه حل و فصل گردد.

چاپ و انتشار مجموعه حاضر به مناسبت هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، قدم کوچکی است که به دنبال کوششهای زنده یاد استاد عباس سحاب در اثبات حقانیت ایران ارائه می‌شود. استاد سحاب با تشکیل نمایشگاهها و تألیف و تدوین سه مجلد اطلس اسناد تاریخی و جغرافیائی خلیج فارس و ارسال آن برای سازمان‌های جغرافیائی و کارتوگرافی معتبر جهان و مشارکت در برگزاری همایش‌های مربوط به خلیج پارس و اقدامات دیگر، دین خود را به ایران ادا کرد.

در طول سالهای گذشته تلاش نگارنده و همکارانم در مؤسسه جغرافیائی و کارتوگرافی سحاب، گردآوری نقشه‌ها و اسناد دیگر (علاوه بر آنهایی که شادروان استاد سحاب فراهم آورده)، بوده است. خوشبختانه اکنون با گردآوری بیش از ۲۳۰۰ نقشه و سند از موزه‌ها، کتابخانه‌ها، مجموعه‌های عمومی و خصوصی و دیگر منابع از سراسر جهان، آرشیو ارزشمندی از منابع معتبر برای مطالعات خلیج پارس پدید آمده است.

قدم بعدی تدوین، چاپ و انتشار این اسناد گرانبها به صورت کتاب، اطلس، نقشه‌های مستقل با روشهای سنتی و الکترونیک امروزی و پخش آن بین مراکز علمی و پژوهشی، دانشگاهی، خبری داخل و خارج کشور است. در این راه کمک همه ایرانیان به هر شکل و هر صورت، می‌تواند راه‌گشا و یاری‌دهنده ما در راه پرافراز و نشیبی که در پیش داریم، باشد.

محمدرضا سحاب

مؤسسه جغرافیائی و کارتوگرافی سحاب

اردیبهشت ماه ۱۳۸۴